

# دامنه تسری رای دیوان عالی آمریکا

امیرفیض- حقوقدان

تحریر قبل (۲ میلیارد دلار و حکم دیوان عالی آمریکا) <sup>۱</sup> با عبارت <سرگنده زیرلحاف است> شروع شد ولی در آن تحریر از سرگنده که میبایست نمونه ای در آن تحریر باشد خبری نبود، که بهتر است گفته شود فرصت مناسب و کافی نبود؛ اکنون به اتفاق به دوفقره از سرگنده ها رجوع میشود.

## سرگنده اول

برای یاد آوری و استحضار خوانندگان - در دیمه سال ۱۳۹۰ (۲۳ دسامبر ۲۰۱۱) یک دادگاه ایالتی نیویورک بتصدی قاضی <جرج دانیل> ایران رابه پرداخت غرامات و خسارات در رابطه با فاجعه ۱۱ سپتامبر به پرداخت ۱۰ میلیارد دلار محکوم کرده است. حکم دادگاه بوجود رابطه سببیت بین ایران وحادثه ۱۱ سپتامبر است ونتیجه گرفته است که ایران در بوجود آوردن آن جریان مشارکت داشته است و پنوشته بلومبرگ دادگاه علت محکومیت ایران را عدم توانائی در دفاع از ادعای همکاری با هواپیما ربایان در حادثه ۱۱ سپتامبر عنوان کرده و ایران را محکوم کرده است.

**حاشیه =** عدم توانائی ایران در دفاع که در حکم دادگاه ایالتی نیویورک آمده به معنای آن است که جمهوری اسلامی در دادگاه حضور داشته و یا از جریان دعوا مطلع بوده ولی دفاع نکرده و معنای دفاع نکردن این است که حقانیت مدعی را تائید نموده است.

## دلایل دادگاه فدرال چه بود

اسناد مورد تحقیق نشان میدهد که رای دادگاه ایالتی نیویورک تنها و تنها به استناد اظهارات کنت تیمرمن وشخصی بنام حمید رضا ذاکری با نام واقعی علیرضا سلیمانی پاک بوده است. همان تحقیقات نشان میدهد که نقش تیمرمن استفاده از حمید رضا ذاکری ومدیریت دادگاه در حاشیه بوده است.



### **حاشیه = کنت تیمرمن همان یهودی**

آمریکائی است که خود را ایران شناس هم معرفی میکند و هم اکنون رابط بین برخی از ایرانیان خارج از کشور و آمریکا و اسرائیل است و او همان کسی است که برای اولین بار در خارج از کشور توانست امضای اعلیحضرت و گنجی را پای سند تجزیه ایران با کردهای تجزیه طلب بگذارد و بعد هم در کیهان لندن در یک صفحه بزرگ از ایرانیان مقیم آمریکا تقاضای رای انتخاباتی داشت؛ تیمرمن

رئیس بنیاد دموکراسی برای ایران است و فعالیت های ایرانیان خارج از کشور را رهبری و واسطه تامین مالی آنهاست - برای کسب اطلاعات بیشتر به شورای تجزیه طلبان ایران رجوع شود (پایان حاشیه).

داستان حمید رضا ذاکری (علیرضا سلیمانی پاک) به روایتی که خودش اظهار داشته بسیار مفصل است که کار این تحریر نیست ولی این اشاره لازم است که ذاکری پس از آنکه بوسیله علیرضا نوریزاده و شهرام همایون و علیضا میبیدی بعنوان یکی از سرداران اطلاعاتی بسیار مهم و محافظان نزدیک خامنه ای در رسانه ها معرفی شد که از جمهوری اسلامی جدا شده است و تبلیغاتی که کنت تیمرمن در کتابش از ذاکری کرد و تصاویری که بچاپ رسانید، و مراتب مفصل دیگر، ذاکری شد یک شاهد و مطلع بتمام عیار درباره امور ایران و از جمله آگاهی سران جمهوری اسلامی از وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر حتی قبل از وقوع آن و این اظهارات او بضمیمه کتاب تیمرمن و از همه مهمتری حالی و کم توجهی مسئولین جمهوری اسلامی به دعوا و لزوم مشارکت در آن و قلب ادعا و شهادت کاذب حمید رضا سبب صدور حکم مزبور گردید.

این اشاره بجاست که در هامبورگ آلمان در دادگاهی که به جیتی برای رسیدگی به ماهیت ۱۱ سپتامبر تشکیل شده بود، دادگاه اظهارات حمید رضا ذاکری را جعل و غیر قابل استناد دانست.

اشاره بالا بدان جهت آورده شد که اگر جمهوری اسلامی تنها به رای دادگاه هامبورگ استناد میکرد و سوابق خدمت ذاکری را بیان مینمود دادگاه نمیتوانست به صدور چنین رایی تن بدهد.

موضوع این است که اصولا دادگاه ها به استناد دلیل و مدافعات رای میدهند و اگر خوانده دعوا دفاعی نکند اگر قاضی آگاه به حقایق طرف هم باشد خود را ناچار به دادن رای محکومیت طرف میبندد.

یکی از دلایلی که قاضی فدرال نیویورک به شهادت و اظهارات ذاکری ترتیب اثر داد اعتباری بود که رسانه های گروهی ایرانیان خارج از کشور به اظهارات او داده بودند غلو درباره مقامات او در ایران و اصالت اطلاعات او و دامنه وسیع و حساس آن که از سوی نوریزاده و شهرام همایون و میبیدی تفسیر میگردد (کپی برنامه محمد رضا مدحی= الماس فروش!!) و حمایت مالی که از طریق کنت تیمرمن از ایرانیان مشوق و اعتبار ساز برای ذاکری میشد برای دادگاه فدرال نیویورک حمید رضا ذاکری بصورت فرشته حقیقت در آمده بود که در آن روزهای حساس که همه به دنبال عامل آن فاجعه میگرددند شهادت ذاکری نافذ و معتبر و مستند حکم قرار گیرد که گرفت.

## **حاشیه = جریان ذاکری باید درسی باشد برای کسانی که بنام مبارزه سیاسی مرتبا بنفع خارجیان اقرار**

وسند تهیه میکنند. خارجیان تشنیه این قبیل اسناد وشهادتها هستند یک شهادت دروغ به باد دادن ۱۰ میلیارد اذرائی های ایران تمام میشود ویک درخواست ناموجه از ۱+۵ که **دارائی های ایران رابه ایران ندهند ونزد خودشان نگهدارند** (درخواست رئیس شورای تجزیه طلبان) به باددادن همه دارائی های ایران منجرخواهد شد وآمریکائیاها بخود حق میدهند! بگویند اگرقرارباشد چین وروسیه و دیگر کشورها امانت دار دارائی های ایران باشند چرا آمریکا امانت دارنباشد. (پایان حاشیه)

گرچه درمقابل شهادت ذاکری دلایل مسلمی ازباب دخالت عوامل عربستان سعودی ومتقابلا بی اطلاعی جمهوری اسلامی ازبرنامه ریزی واقعه ۱۱ سپتامبروجود داشت وگزارشات دولتی آمریکا هم اسمی از ایران دررابطه با ۱۱سپتامبر نداشت حتی ایران درسازمان ملل پیشنهاد تشکیل کمیته حقیقت یاب را داده بود وباحادثه ۱۱ سپتامبرهم اظهارهمدردی کرده بود ولی همانطور که عرض شد وقتی جمهوری اسلامی ازخودش دفاع نکند دادگاه به شهادت ذاکری ومعرف او که تیمرمن بوده اعتماد و حکم میدهد، که داد.

جریان دادرسی دادگاه ایالتی نیویورک نشان میدهد که جمهوری اسلامی کاملا درجریان دادگاه قرار داشته ولی اهمیت نداده وهمانطورکه افراد عوام وقتی خطاریه ای ازیک مقام اداری ویاقضائی دریافت میکنند آنرا پاره میکنند وبی اهمیت تلقی مینمایند جمهوری اسلامی هم با دادگاه فدرال نیویورک همان برخورد را داشته است.

همچنین جریان دادگاه موید آن است که استناد حکم دادگاه درتوجه جرم وخسارت به جمهوری اسلامی فقط شهادت ذاکری بوده است که به اعتبارمقامات حساسی که ازخود ارائه داده وجریانی هم درمقابل آن نبوده حکم صادرشده است؛ درصورتی که قلب شهادت او دردادگاه لااقل برای جمهوری اسلامی که سوابق خدمت وگزارشات ونام حقیقی او و مدارک بسیاردیگری داشته ونشان میداده که شهادت او نمیتواند مبنای حقیقی ویا عینی داشته باشد وبهرحال شهادت اوقلب شود کارساده ای بوده است و فکرمیکنم تنها مانعی که درمقابل قلب شهادت جمهوری اسلامی میتوانست خود نمائی قضائی داشته باشد همان بزرگ نمائی های ایرانیان خارج ازکشوراز ذاکری بوده است که شهادتی وسیع براصالت وشخصیت ذاکری محسوب میشده.

## **اما ادامه سرکنده**

دادگاه ایالتی نیویورک، ایران رابه پرداخت ۱۰/۵میلیارد دلار وکیفیت تقسیم آن محکوم کرد ولی قانون و یا ضابطه حقوقی برای تامین آن خسارت وجود نداشت زیرا سپرده های ایران درآمریکا ویا دارائی های بلوکه شده ایران درآمریکا به اعتبارحقوق بین الملل وکنوانسیون مصونیت (درتحریر قبل شرح داده شده) قابل مصادره وتعلق به اجرای حکم دادگاه های آمریکا نداشت؛ ودرکلامی دیگر رای بنفع زیان دیدگان بود ولی ممراجرانی آن وجود نداشت.

دردادگاه های حقوقی کشورها ازجمله ایران احکامی بنفع خواهان صادرمیشود ولی اجرای آن بعلت معسر بودن ویا عدم امکان دسترسی به دارائی دادباخته ممکن نمیشود این گونه آرا همچنان باقی میماند تا امکانات اجرایی آن فراهم شود. رای دادگاه فدرال نیویورک را هم درردیف همان آرا میتوان بشمار آورد.

رای دیوان عالی آمریکا که اخیرا صادرشده ودرعبارت زیر منتشرگریده:

دادگاه های این کشور میتوانند در رسیدگی به دادخواهی قربانیان جرائم تروریستی از دارایی های بلوکه شده ایران برای پرداخت غرامات استفاده کنند.

رای دیوان عالی آمریکا که حکم قانون را دارد مشکل اجرایی رای دادگاه فدرال نیویورک در رابطه با خسارات زیان دیدگان واقعه ۱۱ سپتامبر حل میکند و مانع دست اندازی حکم دادگاه به دارایی های بلوکه شده ایران را برطرف ساخته است.

آقای ظریف در رابطه با رای مزبور همین روزها خطاب به دبیرکل سازمان ملل متحد نوشته است.

>قوه مجریه آمریکا دارایی های ایران را بشکلی غیرقانونی مسدود میکند، قوه مقننه آن کشور قوانینی را جهت زمینه سازی برای ضبط این دارایی ها از تصویب میگذراند و نهایتا قوه قضائیه آمریکا احکامی بی پایه و بی ارتباط با واقعیات عینی را برای مصادره دارایی های مذکور صادر میکند.

این حرفها مصرف داخلی است، مصرف قضائی آن در دادگاه است که جمهوری اسلامی فقط در سایه و برای عوامل خودش حرف میزند. که مردم بگویند (بله دیدی ظریف به آمریکائیا پرید) باید از ادعای واهی و بی پایه دفاع کرد که جمهوری اسلامی عادت به این کار ندارد. این حرفها بعد از صدور رای مانند لباس بعد از عروسی است که برای سرمنار خوبست.

باتوجه به اینکه مجلس اسلامی هم باوضع قانونی به ایرانیان اجازه داده که در محاکم تهران علیه آمریکا اقامه دعوا و مطالبه خسارت بنمایند ایراد ظریف فلان سربالا به صورت خودش است.

در حالیکه حالت خصمانه و دشمنی بین ایران و آمریکا آنچنان جدی و حقیقی است که حتی در گزارش سه ماهه برجام هم به مجلس منعکس و تداوم آن تضمین شده است چه ایرادی میتوان به طرف آمریکائی این دشمنی داشت که پرونده سازی و توقیف اموال ایران را نکند در حالت جنگ و خصومت بین کشورها فقط رعایت کنوانسیون ژنو لازم الاتباع است که در آن هم صحبتی از وضع قانون و اقدامات قوه قضائیه کشورها نیست.

## نتیجه آنکه

نتیجه اینکه در کنار رای دادگاه آمریکا مبنی بر پرداخت ۲ میلیارد دلاریه بازماندگان قربانیان خوابگاه تفنگداران آمریکا در لبنان که سروصدائی در ایران بلند کرده است یک ۱۰/۵ میلیارد دلار هم از زیر لحاف سردر خواهد آورد.

## سرگنده دیگر

در قانون بودجه آمریکا بندی پیاده شده که کنگره به دولت آمریکا اجازه داده است که به کارمندان سفارت آمریکا که در گروگان جمهوری اسلامی بوده اند و یا بازماندگان آنها خسارت پرداخت شود و میزان خسارت را هم روزانه ۱۰،۰۰۰ دلار و برای بازماندگان گروگانها که فوت شده اند تا سقف ۶۰۰ هزار دلار بپردازد.

همانطور که از متن قانون کنگره آمریکا برمیآید کنگره اجازه پرداخت خسارت به بازماندگان گروگان هارا به دولت داده ولی محل اعتبار آنرا تعیین نکرده است. **علی الاصول پرداخت کننده این خسارت نمیتواند دولت آمریکا باشد زیرا خسارت گروگان گیران ناشی از عمل دولت آمریکا نبوده است** و بنابر تعریف مسئولیت

در حقوق بین الملل >مسئولیت در حقوق بین الملل آن است که بموجب آن، دولت ناقض یک قاعده بین المللی موظف است خسارت حقوقی از این نقض رابه دولت خسارت دیده بپردازد (تعریف از روسو)

## علت تصمیم کنگره

نمیتوان فرض کرد که علت تصمیم کنگره این بوده که خسارت گروگانها از بودجه آمریکا پرداخت شود و توجهی به جمهوری اسلامی نداشته باشد.

همچنین نمیتوان تصور کرد که ماده پنجم قرارداد الجزایر که میگوید <پس گرفتن کلیه دعاوی مطروحه آمریکا علیه جمهوری اسلامی در دادگاه های بین المللی> مانع توجه مسئولیت و خسارت به جمهوری اسلامی شده است (دلایل این مهم در تحریر خسارت گروگانهای سفارت مورخ ۲۹/۱۲/۲۰۱۵ بیان شده است)<sup>۲</sup>

بهر حال دولت آمریکا منبع مالی اجرای حکم خسارت گروگان های آمریکائی را وجوه حاصل از جرائم دور زدن از تحریمهای علیه ایران معرفی کرد ولی پرداخت خسارت معوق ماند.

دلایل اداری و حقوقی آمریکا در آن مورد معلوم نیست ولی میتوانم حدس داشته باشم که بازرسان خزانه داری آمریکا نمیتوانند قبول کنند که خسارت گروگان گیران که عمل منتسب به جمهوری اسلامی است از بودجه دولت آمریکا پرداخت شود، درست است که وجوه حاصله از دور زدن تحریم ها نوعی درآمد متفرقه محسوب و در ستون درآمد های قابل پیش بینی کشور در بودجه ذکر نمیشود ولی بهر حال در سر جمع بودجه بعنوان درآمد کشور محاسبه خواهد شد؛ و نمیشود گفت پول باد آورده است و از طرفی پرداخت خسارت گروگان گیران از سوی آمریکا حمایت از گروگان گیری و باج به گروگان گیران تلقی که قانون آمریکا آنرا ممنوع ساخته است.

اکنون با رای دیوان عالی آمریکا مخرج تامین خسارت گروگان گیران آنطور که اعلام شده حدود ۴/۴ میلیارد دلار میباشد تامین گردیده است و باید منتظر بود که سر آن از زیر لحاف پیدا شود.

## سرگنده دیگر

سرگنده دیگر ممکن است تعلق یابد به ایرانیان تبعه آمریکا که در فرصتی با آن آشنا خواهیم شد.